



کبوتر طوقدار

نوشته: بازنویسی از کلیله و دمنه

تصویرگر: پریا فیض‌اله‌زاده

متن داستان:

روزی روزگاری، در آسمانی گسترده و آبی‌رنگ، دسته‌ای از کبوتران در پرواز بودند. رهبری این دسته را کبوتری بر عهده داشت که در میان همه به «کبوتر طوقدار» شهرت داشت؛ زیرا طوقی روشن و متمایز، دور گردنش، او را از دیگران جدا می‌کرد. او عاقل‌ترین و باتجربه‌ترین کبوتر دسته بود و همه به خرد و آرامش او اعتماد داشتند.

روزی، در میانه‌ی پرواز، کبوتران جوان دانه‌های فراوانی را روی زمینی خشک و خاموش دیدند. با دیدن این همه دانه، شوق و هیجان سراسر وجودشان را گرفت و بی‌درنگ به سوی پایین شتافتند. کبوتر طوقدار که از بالا صحنه را می‌نگریست، هشدار داد: «صبر کنید! وجود این همه دانه در دل بیابانی خالی طبیعی نیست؛ می‌ترسم دامی در کار باشد.» اما کبوتران جوان، غرق در طمع و شتاب، سخن او را نشنیده گرفتند و بر زمین نشستند.

هنوز لحظه‌ای نگذشته بود که همگی در توری پنهان گرفتار آمدند. صیادی که از دور در کمین نشسته بود، با دیدن این صحنه به‌سوی آنان به‌راه افتاد. کبوتران در وحشت و آشفتگی به هر سو بال می‌زدند و هر یک تنها در فکر رهایی خویش بود؛ اما هرچه بیشتر تلاش می‌کردند، تور تنگ‌تر می‌شد.

در همان دم که ناامیدی بر همه چیره شده بود، کبوتر طوقدار با آرامشی که هرگز از دست نداد، فریاد زد: «از هم جدا نشوید! اگر همه با هم و هم‌زمان بال بزنیم، می‌توانیم تور را از زمین بلند کنیم.» کبوتران جوان، این بار بی‌درنگ فرمان او را پذیرفتند. با اتحاد و هماهنگی، همگی یک‌صدا بال گشودند و تور را، با خود، از زمین کردند.

پیش از آنکه صیاد به آنان برسد، دسته‌ی کبوتران، تور به همراه، به سوی لانه‌ی دوست قدیمی کبوتر طوقدار پرواز کردند؛ موشی دانا و وفادار که سال‌ها با او پیمان دوستی داشت. چون موش ماجرا را شنید، بی‌درنگ دندان‌های تیز خود را به کار گرفت و رشته‌های تور را یکی‌یکی جوید. کبوتر طوقدار، هرچند می‌توانست نخستین رهاشونده باشد، تا آخرین لحظه در تور ماند تا مطمئن شود همه‌ی یارانش پیش از او آزاد شده‌اند؛ و سرانجام خود، آخرین کبوتری بود که از دام رها شد.

کبوتران، سپاسگزار از موش وفادار، بار دیگر بال به آسمان گشودند؛ این بار سبک‌بال‌تر از همیشه، در حالی که درسی بزرگ آموخته بودند: هوس و شتاب، انسان و پرنده را به دام می‌اندازد، اما اتحاد و یاری، حتی از دل خطرناک‌ترین دام‌ها نیز راه نجات می‌گشاید.

سازه‌های روایی:

(۱) سبک:

قصه‌ی حیوانات (فابل)، با لحنی حکمت‌آموز، تمثیلی و آموزنده، مناسب برای کودکان و نوجوانان.

(۲) درون‌مایه‌های داستان:

هشدار عقل در برابر هوس و شتاب‌زدگی؛ اهمیت اتحاد و همکاری در بحران؛ رهبری مسئولانه و فداکارانه؛ ارزش دوستی و اعتماد؛ پشیمانی از نافرمانی و نشنیدن نصیحت.

(۳) پیرنگ:

دسته‌ای از کبوتران به رهبری کبوتر طوقدار، عاقل‌ترین و باتجربه‌ترین آن‌ها، در آسمان در پروازند. ناگهان کبوتران جوان دانه‌های فراوانی را روی زمین می‌بینند و با خوشحالی به سمت آن‌ها هجوم می‌برند. کبوتر طوقدار هشدار می‌دهد که وجود این همه دانه در میان بیابانی خالی طبیعی نیست و احتمالاً دامی از سوی صیادی در کار است؛ اما کبوتران جوان که غرق در هیجان و طمع‌اند، به سخن او توجه نمی‌کنند و پایین می‌آیند.

به محض نشستن روی دانه‌ها، همگی در توری پنهان گرفتار می‌شوند. صیاد که از دور منتظر بود، با دیدن این صحنه به سمت آن‌ها به‌راه می‌افتد. کبوتران در وحشت و آشفتگی به دام افتاده‌اند و هر کدام تنها به فکر نجات خود است. در همین لحظه‌ی بحرانی، کبوتر طوقدار با آرامش راه‌حل را می‌یابد: از همه می‌خواهد که به جای کشمکش جداگانه، همگی هم‌زمان و باهم بال بزنند تا بتوانند تور را از زمین جدا کنند.

کبوتران با اتحاد و هماهنگی، تور را با خود از زمین بلند می‌کنند و پیش از رسیدن صیاد، به سمت لانه‌ی دوست قدیمی کبوتر طوقدار، یعنی موشی دانا و وفادار، پرواز می‌کنند. موش با شنیدن ماجرا بی‌درنگ شروع به جویدن طناب‌های تور می‌کند و یکی‌یکی کبوتران را آزاد می‌سازد؛ کبوتر طوقدار، به‌عنوان رهبر، تا آخرین لحظه در تور می‌ماند و خود را آخرین نفر آزاد می‌کند. سرانجام همه‌ی کبوتران رها می‌شوند و با سپاسگزاری از موش، دوباره به آسمان پرواز می‌کنند.

۴) شخصیت پردازی:

کبوتر طوقدار (شخصیت اصلی)

ویژگی ظاهری: کبوتری درشت‌هیکل‌تر از سایر کبوتران، با بدنی خاکستری و انعکاس‌های سبز و بنفش روی گردن که همچون طوقی روشن، نشان رهبری اوست؛ پاهایی به رنگ صورتی‌مایل‌به‌قرمز و نگاهی تیز و آرام. حرکاتش متین و باوقار است و اقتدار و تجربه‌اش را نشان می‌دهد.

ویژگی‌های باطنی: عاقل، باتجربه، دوراندیش، آرام در بحران، فداکار و مسئولیت‌پذیر، وفادار به دوستان.

کبوتران جوان (شخصیت‌های مکمل)

ویژگی ظاهری: کوچک‌تر و سبک‌تر از کبوتر طوقدار، با پرهایی روشن و حرکاتی تند و بی‌قرار؛ چشمانی پر از هیجان و کنجکاو که به‌سادگی فریب ظاهر را می‌خورند.

ویژگی‌های باطنی: شتاب‌زده، طمع‌کار، خوش‌باور، ناپخته و زودپشیمان؛ در بحران به رهبر خود وابسته می‌شوند.

موش دانا (شخصیت مکمل)

ویژگی ظاهری: موشی ریزنقش با خزی خاکستری‌مایل‌به‌سفید، گوش‌های گرد صورتی‌رنگ، دندان‌هایی تیز و قوی، چابک و سریع در حرکت؛ زندگی‌اش در لانه‌ای میان صخره‌ها و دامنه‌ی کوه می‌گذرد.

ویژگی‌های باطنی: باهوش، فهیم، وفادار و دوست‌دار؛ بی‌درنگ به یاری دوست قدیمی خود می‌رود.

صیاد (شخصیت فرعی)

ویژگی ظاهری: مردی که از دور دیده می‌شود، با توری بزرگ برای به‌دام‌انداختن کبوتران.

ویژگی‌های باطنی: فریب‌کار، طمع‌کار و در پی سود به هر قیمت؛ سرانجام در برابر اتحاد کبوتران ناکام می‌ماند.

۵) فضاسازی:

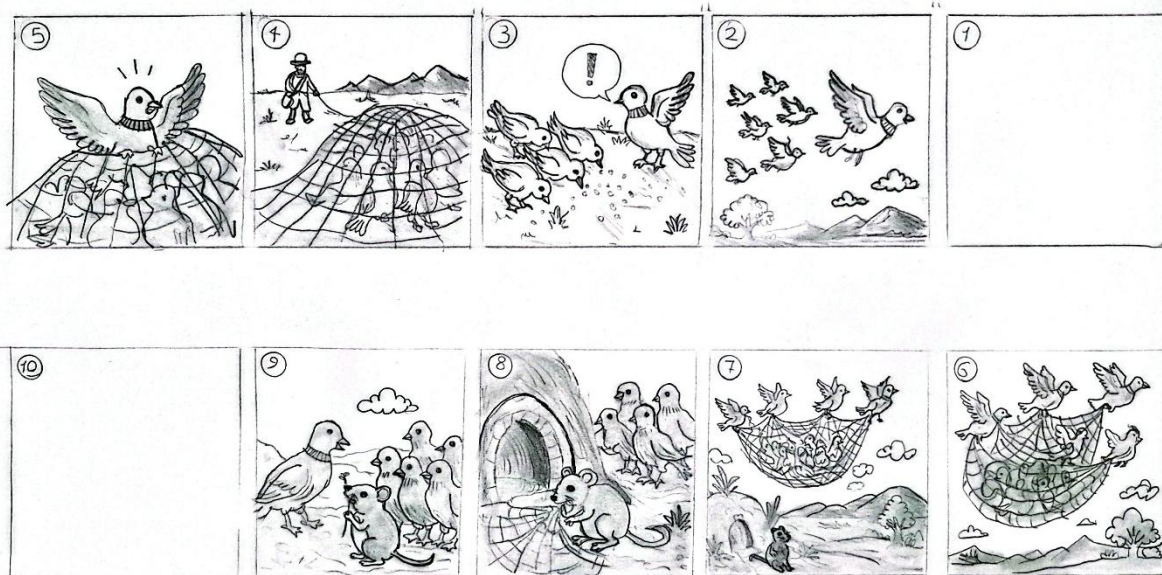
مکان داستان

ابتدا آسمانی وسیع و آبی‌رنگ که دسته‌ی کبوتران در آن پرواز می‌کنند. سپس بیابانی خالی و خاموش، در دامنه‌ی کوه‌هایی سر به فلک کشیده، که دانه‌ها و تور صیاد در آن پنهان شده‌اند. در پایان، لانه‌ی موش دانا در دل صخره‌ها، کنار درختی کهن، به‌عنوان پناهگاهی امن.

زمان داستان

ظهر یک روز معمولی؛ زمان قصه‌ای نامعلوم (روزی روزگاری در گذشته‌های دور).

تامبیل داستان:





دشت سبلان ، محل الهام گیری محیط طراحی

این دشت مرتفع در دل رشته کوه البرز غربی، در دامنه‌ی قله‌ی سبلان و در اردبیل قرار دارد. ترکیب چمنزار سرسبز و بی‌پایان، درختی تنها در دل دشت، و کوه‌های برف‌گیر در پس‌زمینه، حس گستردگی، سکوت و خلوتی را منتقل می‌کند که برای فضای پروازِ آغازین کبوتران و نیز خلوتی بیابانِ صحنه‌ی به‌دام‌افتادن، مناسب است؛ به همین دلیل به‌عنوان مرجع اصلی طراحی پس‌زمینه‌ی داستان انتخاب شده است.



کبوتر چاهی

کبوتر چاهی، رایج‌ترین گونه‌ی کبوتر وحشی/خانگی در ایران، با بدنی خاکستری، گردنی با انعکاس سبز و بنفش، منقاری کوچک و پاهایی صورتی‌رنگ شناخته می‌شود. حالت ایستادن، نسبت اندام‌ها و رنگ‌بندی پر این پرنده، مرجع مستقیم طراحی ظاهری کبوتر طوقدار و کبوتران جوان داستان بوده است.



موش

موش خانگی با اندامی ریزنقش، خزی خاکستری‌مایل به سفید، گوش‌های گرد و چشمانی درشت و هوشیار، الگوی طراحی شخصیت «موش دانا»ی داستان است. حالت کنجکاو و آماده‌ی حرکتِ این جانور در تصویر مرجع، همان حس زیرکی و آماده‌به‌یاری‌بودنی است که در طراحی این شخصیت مورد نظر بوده.

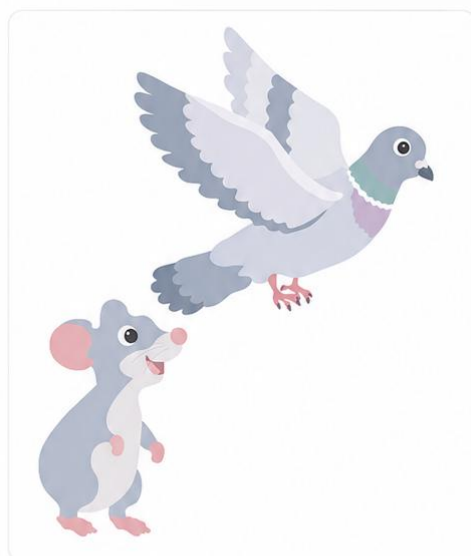
طراحی پس زمینه:

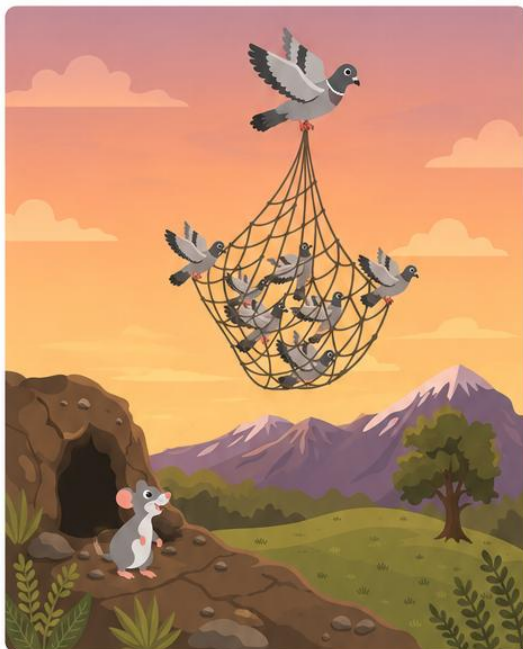


طراحی کاراکتر:



تست رنگ:





فریم نهایی:



کبوترها خودشان را به لانه‌ی موش رساندند...
دوستی که قرار بود گره‌ای را باز کند
که هیچ‌کس از پس آن برنمی‌آمد.



دانشگاه هنر اسلامی تبریز

دانشکده چندرسانه‌ای

گرافیک رایانه‌ای ۲

شماره دانشجویی: ۴۰۲۲۲۰۶۳۷

تیر ۱۴۰۵